



انجمن علمی فقه‌پژای تهرانی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 4, Issue 2, 2026

## Punishment of Community Service as an Alternative to Imprisonment in Iranian and Turkish Criminal Law

Akbar Heydari<sup>1</sup>, Golnaz Moradipasand<sup>2\*</sup>, Behroz Norouzi<sup>3</sup>

1. Department of Criminal Law and Criminology, Ard.C, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2. Department of Law, Bil.C, Islamic Azad University, Ardabil, Iran: (Corresponding Author).

3. Department of Law, Ard.C, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 75-89**

**Corresponding Author's Info:**

**ORCID:** 0000-0003-2176-0263

**TELL:** +989141570875

**Email:** drmoradipasand@iaau.ac.ir

**Article History:**

**Received:** 04 Sep 2025

**Revised:** 22 Oct 2025

**Accepted:** 01 Dec 2025

**Published online:** 22 Jun 2026

**Keywords:**

*Imprisonment, Alternative to imprisonment, Public Service, Fundamental Human Rights.*

### ABSTRACT

Imprisonment is one of the examples of punishments that has long been recognized in most legal, political, and religious systems. The implementation of imprisonment creates very high costs for governments. Imprisonment has special features such as depriving the convict's family of his presence in the family, getting acquainted with the prison environment during imprisonment, and learning the methods of committing crimes in contact with other prisoners, etc., which has greatly reduced the desire to implement the aforementioned punishment. The purpose of the present study, which was compiled using a descriptive-analytical method and library tools, is to examine the punishment of public service and public benefit as one of the examples of alternative punishments to imprisonment in Iranian and Turkish law. The results of the study show that, in Iranian law, the legal clarity regarding the punishment of public service and public benefit is greater than in Turkish law; in Turkish law, the judge's authority in choosing the type of alternative punishment is much greater than the judge's authority in Iranian law. In a sense, Turkish law, influenced by its accession to the European Union and its desire to comply with the standards of the said Union, has moved towards creating the possibility of converting sentences; while Iranian law has established more standards for the framework of the powers of the judicial authority.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

**How to Cite This Article:** Heydari, A; Moradipasand, G. & Norouzi, B. (2026). "Punishment of Community Service as an Alternative to Imprisonment in Iranian and Turkish Criminal Law". *Journal of International Criminal Law*, 4(2): 75-89.



انجمن عالی فقه‌برای تطبیق ایران

# فصلنامه حقوق برای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق برای بین الملل

دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

## مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه به‌عنوان مجازات جایگزین حبس

### در حقوق کیفری ایران و ترکیه

اکبر حیدری<sup>۱</sup>، گلناز مرادی‌پسند<sup>۲\*</sup>، بهروز نوروزی<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد بیله‌سوار، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران: (نویسنده مسؤل).

۳. گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

#### چکیده

مجازات حبس یکی از مصادیق مجازات‌ها می‌باشد که از دیرباز در اغلب نظام‌های حقوقی، سیاسی، مذهبی مورد شناسایی قرار گرفته است. اجرای مجازات حبس برای دولت‌ها هزینه‌های بسیار بالایی را ایجاد کند. مجازات حبس دارای ویژگی‌های خاصی مانند محروم شدن خانواده محکوم از حضور او در خانواده، آشنا شدن محکوم در دوران حبس با محیط زندان و یادگیری روش‌های ارتکاب جرم در تماس با سایر زندانیان و ... می‌باشد که تمایل به اجرای مجازات مزبور را به‌شدت کاهش داده است. هدف از پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای گردآوری شده است، بررسی مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه به‌عنوان یکی از مصادیق مجازات جایگزین حبس در حقوق ایران و ترکیه می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در حقوق ایران صراحت قانونی در ارتباط با مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه نسبت به حقوق ترکیه بیشتر است؛ در حقوق ترکیه، اختیارات قاضی در انتخاب نوع مجازات جایگزین بسیار بیشتر از اختیارات قاضی در حقوق ایران می‌باشد. به تعبیری، حقوق ترکیه تحت تأثیر نیل به عضویت در اتحادیه اروپا و تمایل به رعایت استانداردهای اتحادیه مزبور در جهت ایجاد امکان برای تبدیل مجازات حرکت نموده است؛ درحالی‌که حقوق ایران استانداردهای بیشتری برای چهارچوب اختیارات مقام قضایی وضع نموده است.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۵-۸۹

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۱۷۶-۰۲۶۳

تلفن: +۹۸۹۱۴۱۵۷۰۸۷۵

ایمیل: drmoradipasand@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۶/۱۴۰۴

تاریخ ویرایش: ۳۰/۰۷/۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۰/۰۹/۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۰۱/۰۴/۱۴۰۵

واژگان کلیدی:

مجازات حبس، جایگزین حبس، خدمات

عمومی، حقوق بنیادین بشری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

هرچند کیفر زندان از عهد کهن و باستان وجود دارد به علت بهره‌گیری کم و جزئی از آن نمی‌تواند در دسته کیفرهای معمولی آن اعصار محسوب گردد. ولی حبس با سپری شدن زمان کم‌کم به‌عنوان کیفر وارد سیستم عدالت کیفری گردید. نخست جانشینی کیفر حبس، با وجود حالت نامناسب و سخت حبس، به‌جای کیفرهای شدید بدنی خیلی امیدوارکننده بود اما کم‌کم اصلاح‌طلبان اجتماعی در راستای بهبود شروط نامناسب و حالت وخیم آن کارهای شایسته‌ای صورت دادند. توضیح بیشتر آنکه اجرای مجازات زندان در سطح فردی و آثار آن بر مرتکب سبب پذیرش فرهنگ زندان خواهد شد؛ به‌عبارتی دیگر فضا و شرایط زندان نه‌تنها به بازپروری شخصیت محکوم و بازگرداندن او به اجتماع کمکی نمی‌کند، بلکه سبب هتک حرمت شدید و طبعاً آسیب‌های روحی و روانی بر زندانی و پذیرش خرده فرهنگ‌های موجد در زندان خواهد شد. این عوامل باعث می‌شود مجازات زندان نه‌تنها تأثیری بر اصلاح مجرم و جرم‌زدایی نداشته باشد، بلکه حتی اسباب جرم‌زایی و مجرم‌پروری را نیز فراهم آورد و نیز در سطح اجتماع دارای توالی فاسدی مانند بالا بردن نرخ تورم جمعیت کیفری و ازدیاد مخارج دولت جهت مقابله با بزه می‌شود. یکی از مسائل بیان شده فعلی، بحث لزوم زندانی نشدن مجرمان یا به‌اصطلاح زندان‌زدایی از کیفر و مجازات‌ها است. کارگزاران قضا به این نتیجه نائل شدند که نایستی در هر چیزی مجرم را به حبس و زندان محکوم نمود.

آثار منفی حبس استثناء‌بردار نیست و بر هرکسی حتی به کمترین میزان هم که شده مؤثر می‌افتد. مردان که عموماً نان‌آوران خانه هستند هم زندگی خودشان بر هم می‌ریزد و هم خانواده‌ای که زیر سایه چترشان زندگی می‌کنند. زندانی شدن بانوان نیز دلیل از هم گسستگی عاطفی خانواده، مطرود گشتن آنان از همه جمع‌ها حتی خانواده و در خیلی حالات طلاق از طرف شوهرانشان می‌شود. به نحو کلی حبس نه‌فقط مانع تکرار جرم نمی‌گردد، بلکه حس انتقام‌جویی آن‌ها را نیز زیاد کرده و معضلات بی‌اندازه‌ای چه در زمان گذران زندان، چه پس از آن و چه بر خود فرد و خانواده‌اش و چه بر اجتماع متحمل می‌نماید. این شد که ایده مجازات‌های جایگزین حبس

شکل گرفتند و کوشش شد تا به‌جای استفاده بی‌رویه و نامناسب از زندان، از روش‌های مفید دیگری که بتوانند به اهداف مجازات‌ها جامه عمل پوشانده و دارای حداقل مشکلات و آسیب‌ها باشند، استفاده شود. علی‌الاصول هنگامی که بحث از کیفرهای جایگزین زندان می‌گردد، نخستین مفهومی که از آن در ذهن ما شکل گرفته هر کیفر شایسته‌ای می‌باشد که به‌کلی جانشین حبس می‌گردد و راهی غیر از حبس، دستاویز ما جهت کیفر شخص مجرم می‌شود؛ ولی به‌درستی این‌طور نمی‌باشد و کیفرهای جانشین زندان معنای دیگری دارد. در حقیقت مقصود هر نوع کیفری می‌باشد که یا از همان اول مانع توسل به زندان می‌شوند و یا اینکه مدت زمان آن را تقلیل می‌دهند یا با نوعی تغییر در ساختار کلی آن مانع بروز مخاطرات آن می‌گردند. در اصل مقصود این است که با کمترین مقدار بهره‌گیری از حبس مجرم را تنبیه و اصلاح کرده و از مجنی‌علیه و اجتماع نیز دفاع نمود. پس معنای عام کیفرهای جایگزین، مد نظر بوده و حتی قادر است آزادی مشروط را نیز مشتمل گردد و درست به عقیده برخی از صاحب‌نظران مقصودشان کاهش فوری بسیاری از کیفرهای زندان و محکومین به آن می‌باشد. البته در مقابل، عده‌ای قائل به ایجاد دو دسته هستند: (۱) مجازات‌های جایگزین و (۲) مجازات‌های اجتماعی. آن‌ها مواردی چون آزادی مشروط و تعلیق مجازات را جزء دسته اول می‌دانند و مجازات‌هایی چون خدمات عام‌المنفعه را که در بستر جامعه تحقق می‌یابند جزء دسته دوم در نظر می‌گیرند.

پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که وضعیت و جایگاه مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه به‌عنوان یکی از مصادیق مجازات جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران و ترکیه چگونه است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که در حقوق ایران صراحت قانونی در ارتباط با مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه نسبت به حقوق ترکیه بیشتر است؛ در حقوق ترکیه، اختیارات قاضی در انتخاب نوع مجازات جایگزین بسیار بیشتر از اختیارات قاضی در حقوق ایران می‌باشد. در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به مقاله خالقی و نادری‌سنج اشاره داشت. از نظر نویسندگان، «قاضی در بعضی

اصلاح مجرمین بنیان‌گذار ایجاد زندان اصلاحی در تاریخ می‌باشد. (ایمانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۵). در کتاب فتح‌القدیر از ابن‌همام حنفی آمده است که قبل از ایجاد زندان، متخلفین را در دهلیز و مساجد حبس می‌کردند. زمخشری نیز آورده است که نخستین زندان را علی (ع) از نی ساخت. (موسوی، ۱۳۹۶: ۲۸-۲۷). اساساً حبس در فقه جزایی از تعزیرات به‌شمار می‌آید، لذا از حیث مقدار مشخص نبوده (نقطه مقابل حد است) و از دیدگاه فقه‌های شیعه به طریقی همچون شلاق زدن، زندانی کردن و در اجتماع گردانده شدن اعمال می‌گردد. از دیدگاه اهل سنت نیز چنین است و تعیین مقدار آن بر عهده امام می‌باشد. قاعده اولیه در اعمال تعزیر عدم جواز است و در فقه به‌عنوان راهکار نهایی است که برخی فقها جواز آن را مشروط به عدم تحمل شلاق توسط محکوم، تحقق مصلحت و عدم تأمین آن از بیت‌المال و یا مخیر بودن محکوم به انتخاب حبس یا شلاق دانسته‌اند. (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۸: ۱۵۹).

بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظر به اقسام مجازات در سیستم کیفری اسلام غیر از حبس‌های حدی، امکان حذف یا جایگزینی تنها در حبس‌های تعزیری وجود دارد آن هم به دلیل تعیین آن به صلاح‌حاکم شرع که از یک توبیخ ساده تا تهدید، وعظ ساده شروع و تا سایر جایگزین‌ها مانند موارد امروزی آزادی مشروط، جزای نقدی، تعلیق مجازات، حبس خانگی، نظارت الکترونیکی و ... تعیین نماید. (علوی، ۱۳۹۷: ۴۲). همچنین در نزد اهل سنت -حنفی، مالکی، شافعی و برخی فقه‌های حنبلی از جمله ابن‌عقیل- با استدلالاتی من‌باب بازداشتن مجرم از گناه، قیاس، دفاع از جامعه، تناسب جرم و مجازات و ... معتقدند، حاکم مختار است مجرم را به هر نحو که صلاح بداند مطابق اجتهاد خود به انواع عقوبات تعزیر نماید. (موسوی، ۱۳۹۶: ۹۶). نهایتاً اینکه مجازات‌های جایگزین حبس در فقه به ۴ دسته کلی قابل تقسیم‌اند:

الف) جایگزین‌های مالی: که متوجه دارایی افراد هستند مثل مصادره تمام یا برخی از اموال، نگهداری توقیف اموال بزه‌کار، محکومیت به پرداخت جزای نقدی به نفع بیت‌المال، انجام کار رایگان یا کمتر از میزان واقعی، انهدام یا تحریق ادوات جرم، محرومیت از حقوق فردی و ... .

موارد ملزم به صدور مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد لکن در بعضی موارد مختار است و الزامی برای وی وجود ندارد. روش این تحقیق جنبه توصیفی و تحلیلی دارد و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به آن روش کتابخانه‌ای می‌باشد. بررسی رابطه قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ از دستاوردهای این تحقیق می‌باشد. (خالقی و نادری‌سنج، ۱۳۹۹: ۱). اغلب پژوهش‌های موجود، بر مصادیق مجازات‌های جایگزین به‌صورت کلی تمرکز دارند، اما پژوهش حاضر دارای دو متغیر می‌باشد که در سایر پژوهش‌ها مدنظر قرار نگرفته است: یکی تمرکز بر مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه و دیگری رویکرد تطبیقی به حقوق ایران و ترکیه؛ همین موضوع جنبه جدید و نوآوری پژوهش حاضر نیز محسوب می‌گردد.

#### ۱- تاریخچه مجازات‌های جایگزین حبس

حبس، مجازاتی است که طی آن فرد از حق آزادی که پس از حق حیات از اساسی‌ترین حقوق بشری است محروم می‌گردد. این مجازات از قدیم‌الایام تاکنون مورد استفاده حکومت‌ها قرار گرفته و ریشه در گذشته‌های دور دارد به‌نحوی که نمی‌توان به یقین آن را مولود دین یا قانون کشور خاصی دانست. زندان ابزاری جهت حفظ امنیت جامعه بوده و بشر برای تثبیت امنیت خویش همواره به دنبال دستیابی به وسایل متضمن امنیت بوده است. با این حال، گاه قانون‌گذار در پی تقویت اثربخشی برخی مجازات‌ها سیاست خود را در برگزیدن نوع مجازات تغییر داده برخی مجازات‌های غیرسودمند را حذف یا تغییر می‌دهد. از این میان، حبس از مواردی است که بیش از سایر مجازات‌ها مورد آسیب‌شناسی و توجه ویژه بوده است؛ به‌نحوی که قانون‌گذاران تمهیداتی در مقام جایگزین‌های حبس پیشنهاد داده‌اند. در ادامه سیر تاریخی این تدابیر ذیل سه محور در نظام حقوقی اسلام، جهان و ایران مورد بحث قرار خواهد گرفت.

#### ۱-۱- نظام حقوقی اسلام

در صدر اسلام به دلیل عدم وجود تشکیلات منسجم حکومتی و همچنین محدودیت قلمرو اسلامی نیاز به ضرورت تأسیس زندان احساس نمی‌شد و در زمان پیامبر و حتی خلفای سه‌گانه غالباً مجرمین در مساجد یا خانه‌ها زندانی می‌شدند. پس از دوران پیامبر و خلفا، امام علی (ع) اولین فردی است که جهت

اجتماعی بزه‌کاران و...» به‌طور کامل مورد بحث واقع گردیده است (موسوی، ۱۳۹۶: ۳۴).

## ۲-۲-۱- تحولات کیفری و گسترش زندان و مجازات‌های جایگزین

مکاتب کیفری نیز در راستای مطلوب نمودن زمینه اصلاح و درمان و بازپذیرسازی محکومین خواهان جایگزین سازی برای حبس بوده‌اند، در ادامه مختصر اشاره‌ای به هریک از مکاتب مربوط می‌نماییم:

**الف) مکتب کلاسیک:** بکاریا، بتنام و روسو از مؤسسين این رویکرد می‌باشند. سزار بکاریا متأثر از وضعیت رقت‌انگیز زندانیان، با نقد سیستم جزایی زمان خود و پیشنهاد تغییر اساسی در قوانین کیفری به‌دنبال آن انتشار «رساله جرائم و مجازات» در سال ۱۷۶۴، در راستای قانونمندی‌سازی حقوق کیفری گام مؤثری برداشت. پیشنهادات او در «اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه» ۱۷۸۹ و نیز «قانون جزای فرانسه» ۱۷۹۱ (معروف به قانون جزای انقلابی) منشأ تحولاتی مهم در حقوق کیفری است (موسوی، ۱۳۹۶: ۳۵). اصلاح، طبقه‌بندی و تفکیک بر اساس جنس، وضعیت و سن زندانیان از دیگر اقدامات او بود مضاف بر اینکه به عقیده وی زندان تنها در صورتی کارآمد است که مجرم را ضمن اعمال مجازات، تربیت نیز نماید (پور احمدی، ۱۳۸۵: ۲۸). جرمی بتنام نویسنده کتاب «تئوری مجازات‌ها و پاداش‌ها» ۱۸۱۸، نیز معتقد بود کیفر و خصوصاً حبس تنها زمانی فایده‌مند است که نفع داشته و منجر به پیشگیری از تکرار بزه گردد (موسوی، ۱۳۹۶: ۳۵).

**ب) مکتب نئوکلاسیک:** رُسی، لیرز و آرتولان از پایه‌گذاران این مکتب بوده‌اند و از دیدگاه آنان حبس جایگاهی ویژه داشته حتی به اعتقاد رسی کیفر سالب آزادی، از جهت چاره‌پذیری (در صورت بروز خطا) و عبرت‌انگیزی بهترین مجازات در جوامع متمدن است. به هر جهت نویسندگان این مکتب آثار بی‌ظنیری در مورد نظام زندان‌ها نگاشته‌اند که در پی آن اقدامات فراوانی در راستای مطالعه زندان‌ها و تأثیر انواع اقدامات تأمینی و تربیتی صورت پذیرفت و با حبس‌های کوتاه‌مدت به علت عدم نقش تربیتی، مخالفت گردید (موسوی، ۱۳۹۶: ۳۶). در پرتو ترویج این تفکرات، وضعیت زندان‌ها و اداره آن متحول گشته،

ب) جایگزین‌های بدنی: که بر جسم افراد وارد می‌آیند، معروف‌ترین آن نزد فقهای شیعه ضرب و تازیانه است. برخی فقهای اهل سنت (ابو حنیفه) قتل را نیز نوعی تعزیر می‌دانند درحالی‌که نزد تشیع چنین نیست.

ج) جایگزین‌های روحی و معنوی: که همان آزاری است که از نظر روحی بر مجرم بار شده موجب اصلاح او می‌گردد، مانند تشهیر که در مواردی همچون شهادت دروغ و باطل اعمال می‌گردد.

د) جایگزین‌های سالب آزادی یا محدود کننده آزادی: مانند تبعید، منع از سفر، حصر خانگی؛ که تماماً به‌عنوان جایگزینی برای حبس مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

## ۲-۱- نظام حقوق کیفری جهان

در این قسمت تاریخچه مجازات‌های جایگزین حبس در جهان، در دو حوزه مستقل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### ۱-۲-۱- اسناد و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

در اوایل قرن نوزدهم مجازات زندان، در قالب واکنش اجتماعی علیه جرم، جایگاهی مهم یافت به‌دنبال آن محدودیت آزادی افراد جای خود را به بازسازی مجرمین داد. بدین سبب قانون‌گذاران و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند شورای اروپا و سازمان ملل در مواردی به‌صورت جداگانه و یا مشترک، به‌منظور ایجاد تغییر در شیوه اداره زندان‌ها و سازمان‌بخشی به مجازات زندان، در اقدامی مهم «مجموعه قواعد و مقررات حداقل لازم‌الرعايه در مورد رفتار با زندانیان» که در نخستین کنگره سازمان ملل با موضوع پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین به تاریخ ۳۰ آگوست ۱۹۵۵ تصویب نمودند که در ۱۳ جولای ۱۹۵۷ توسط شورای اقتصادی اجتماعی موردقبول واقع گردید. بعدها به توصیه سازمان ملل من‌باب حبس‌زدایی، تصویب «حداقل قواعد لازم‌الرعايه سازمان ملل در مورد اقدامات غیر سالب آزادی» که به «قواعد توکیو» معروف است در سال ۱۹۹۰ همه و همه مبین اهمیت این مسئله در بُعد بین‌الملل می‌باشد. تدابیر جایگزین مجازات سالب آزادی در کنگره‌های قدیمی‌تر بین‌المللی نیز وجود دارد، در «کنگره بین‌المللی پیشگیری و سرکوبی» ۱۸۷۲ لندن نیز مسائلی اعم از «اداره زندان‌ها، تدابیر جایگزین برای کیفر سالب آزادی، روش‌های بازپذیر ساختن

هم زمانی که هیچ طریق دیگری راه‌ساز نباشد؛ لذا اجتناب از کیفر حبس و اعتصام به نهادهای جایگزین همچون «آزادی مشروط و تعلیق مجازات» از اهداف مهم طرفداران این مکتب محسوب می‌شود (آنسل، ۱۳۷۵: ۹۷).

در پایان به‌عنوان نمونه موردی، خدمات عام‌المنفعه در قالب یکی از مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس در فرانسه سال ۱۹۷۰ در دستگاه قضایی فرانسه در قطعنامه شماره ۹۰ راهکاری متناسب برای جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزه‌کار به نفع جامعه پذیرفته شد. در اسکاتلند نیز سال ۱۹۷۵ با اصلاحات قانونی سال ۱۹۹۰ تکمیل و جایگزین حبس گردید. همچنین در ایرلند شمالی از سال ۱۹۷۶ کاربرد یافت و قواعد آن در «قواعد احکام مجرمان» اصلاحی ۱۹۸۲ و ۱۹۸۹ تعیین گردید. در ایرلند بر اساس قانون «دادرسی جزایی» ۱۹۸۳ کلیه دادگاه‌ها مجاز به اصدار حکم «خدمات عام‌المنفعه» گردیدند. در ایتالیا با قانون ۶۸۹ نوامبر در ۱۹۸۱ وارد حقوق کیفری ایتالیا شد و دادگاه‌ها با تقاضای محکوم مختار به چنین حکمی -تبدیل حداکثر تا یک میلیون لیر- به خدمات عام‌المنفعه شدند. نهایتاً در دانمارک بعد از مهر و مومها آزمون سال ۱۹۹۲ تصویب و بیشتر برای محکومان به نسبت کم‌خطر که ممکن است محکوم به ۶ الی ۸ ماه حبس شوند صادر می‌شود (قجاوند، ۱۳۸۹: ۷).

## ۲- خدمات عمومی و عام‌المنفعه در قامت جایگزین حبس

یکی دیگر از مصادیق مجازات‌های اجتماعی که از طریق ایجاد محدودیت یا سلب پاره‌ای از حقوق اجتماعی همراه است الزام محکوم‌علیه بر انجام خدمات عمومی و کارهای عام‌المنفعه است. خدمات عمومی یا عام‌المنفعه نه تنها فاقد خطرات و معایب زندان است بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا تربیتی است و مجازات خدمات عمومی یا عام‌المنفعه به‌عنوان یکی از کیفرهای مستقل جامعه‌وی و جایگزین حبس در برخی موارد در اکثر کشورها پذیرفته است. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم مترادف با بیکاری یا کار اجباری نیست، بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم‌علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به زندان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازپروری و اشتغال به کارهای

بهبود یافت. همچنین با شکل‌گیری علم اداره زندان‌ها (برگرفته از این نظریات) که از رشته‌های رایج علوم جنایی بود، در دهه‌های اخیر (دهه ۷۰ قرن بیستم به بعد) به علت توسعه مجازات جایگزین حبس، جای خود را به کیفرشناسی داد (موسوی، ۱۳۹۶: ۳۷).

**پ) مکتب تحقیق:** لمبروزو، انریکو فری، گاروفالو از بنیان‌گذاران این مکتب می‌باشند که ضمن استعمال حبس، در برخی موارد خواهان جایگزینی آن بوده‌اند. به عقیده این مکتب، زندان غیراصولی و زیان‌آور است؛ لومبروزو زندان را جرم‌زا و انریکو فری زندانی کردن را غیر انسانی می‌داند؛ فلذا اولین جایگزین‌های حبس را می‌توان در عقاید این مکتب یافت. «تعلیق مجازات و آزادی مشروط» برای مجرمین بی‌سابقه، اتفاقی و احساساتی و نیز اقدامات تأمینی و تربیتی از برآیندهای این مکتب می‌باشد. همچنین از دیگر تأثیرات این رویکرد ایجاد تحولاتی مهم در حقوق کیفری است که دگرگونی علم اداره زندان‌ها نیز شامل آن گردیده است (موسوی، ۱۳۹۶: ۳۷).

**ت) مکتب دفاع اجتماعی:** این مکتب که یک روز بعد از جنگ جهانی دوم توسط گراماتیکا ایتالیایی (با نگرشی بشردوستانه و دربردارنده اعتراض) مطرح شد؛ و در ۱۹۵۴ مارک آنسل فرانسوی (مؤسس مکتب دفاع اجتماعی جدید) به طریقی طرح گردید که اکثریت حقوقدانان به آن ملحق شدند (بولک، ۱۳۵۸: ۵۰).

انتقادات وارده بر حبس که از دل این رویکرد برخاسته‌اند به اختصار شامل موارد ذیل می‌باشند: مورد اول مبنی بر اینکه مجازات حبس عملاً در اعمال رسالت خویش ناکام بوده است؛ زندان که می‌بایست ابزاری برای واکنش مقابل بزه‌کاران باشد در همان بدو امر به‌مثابه مدرسه تکرار جرم درآمده است. مورد دوم اینکه زندان باید صرفاً منجر به سلب آزادی محکوم گردد حالی که طبق نظر کارشناسان مسائل زندان، آسیب‌های جسمانی و روانی در پی دارد و نهایتاً اینکه حبس موجب قطع ارتباط محکوم با زندگی عادی -خانواده، کار، دوستان- می‌گردد لذا این مجازات علاوه بر محکوم، به خانواده و دوستان و همسر او نیز بار می‌شود (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۶-۸۸). به عقیده این جنبش، سلب آزادی محکومین آخرین دستاویز است آن

### ۱-۲- بررسی تطبیقی نظام حقوقی ایران و ترکیه

این بخش از پژوهش به‌طور مستقل به بررسی و تحلیل تطبیقی «مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه» در دو نظام حقوقی ایران و ترکیه اختصاص دارد. هدف آن است که ضمن تبیین مبانی نظری و عملی این نهاد، تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان دو کشور روشن گردد و نقاط قوت و ضعف هر یک به‌صورت تحلیلی ارزیابی شود.

#### ۱-۱-۲- پیشنهاد تقنینی ایران و ترکیه

پیشینه تقنینی مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه در ایران و ترکیه نشان می‌دهد که هر دو کشور با انگیزه کاستن از تبعات منفی حبس و حرکت به‌سوی کیفی‌های جایگزین، این نهاد را در نظام کیفری خود وارد کرده‌اند؛ هرچند مسیر تاریخی و حقوقی آن‌ها متفاوت بوده است.

در ایران، نخستین تحرکات جدی در زمینه کیفی‌های جایگزین حبس را می‌توان در قانون «مجازات اسلامی» سال ۱۳۹۲ مشاهده کرد. این قانون، در راستای سیاست جنایی نوین جمهوری اسلامی ایران، نهاد «مجازات‌های جایگزین حبس» را به رسمیت شناخت و خدمات عمومی را به‌عنوان یکی از مصادیق اصلی آن مقرر نمود. مواد ۶۴ تا ۸۷ این قانون، به‌طور مشخص به احکام و شرایط اعمال مجازات‌های جایگزین پرداخته و در این میان، انجام خدمات عمومی رایگان در دستگاه‌های عمومی و دولتی یا نهادهای عام‌المنفعه را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها پیش‌بینی کرده است. هدف قانون‌گذار از ورود این نهاد، کاهش تراکم زندان‌ها، جلوگیری از آثار منفی اجتماعی و فردی حبس کوتاه‌مدت و فراهم آوردن زمینه اصلاح و بازپروری مجرم در محیط اجتماعی اعلام شده است. پیش از این تاریخ، اگرچه برخی اقدامات مانند تعلیق مجازات یا آزادی مشروط نوعی جایگزین محسوب می‌شدند، اما خدمات عمومی به‌صورت مصرح در قوانین کیفری ایران پیش‌بینی نشده بود.

در ترکیه، تجربه‌ی پذیرش خدمات عمومی در نظام کیفری پیشینه‌ای قدیمی‌تر دارد. در دهه‌های پایانی قرن بیستم، این کشور با فشارهای ناشی از پر شدن زندان‌ها و همچنین ضرورت هماهنگی با استانداردهای حقوق بشری اروپا، به سمت

عام‌المنفعه و جبران خسارت‌هایی است که فرد محکوم وارد کرده است (حاجی‌تبار، ۱۳۸۷: ۸۴). نام دیگر خدمات عمومی یا خدمات عام‌المنفعه، «خدمات اجتماعی» است که از لحاظ معنی و مفهوم با هم مترادف‌اند. خدمات عمومی یکی از انواع مجازات‌های اجتماعی و جایگزین مجازات حبس است و عبارت است از انجام کاری به نفع جامعه و به نحو رایگان. ژان پی نائل حقوقدان فرانسوی، خدمات عمومی را این‌گونه تعریف می‌کند و در نظر او، نظام خدمات اجتماعی عبارت است از انجام امور غیرشخصی است که قسمتی از اوقات فراغت را به خود اختصاص می‌دهد و تأسیسی است که از نظر حقوق مستقل است (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف این مجازات مقرر می‌دارد: «خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح ذیل مورد حکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می‌گردد». خدمات عمومی با توجه به صفت عمومی آن به نفع اجتماع است. از این‌رو، مؤسسه‌ها و نهادهایی که محکوم‌علیه باید در آنها به کار گمارده شوند مشمول مؤسسه‌هایی‌اند که این خصیصه را دارند؛ بنابراین، نمی‌توان محکوم‌علیه را به انجام کار برای شخص حقیقی یا در بخش خصوصی محکوم کرد. محکومان به این نوع مجازات در صورت پذیرش آن در مدت تعیین‌شده از سوی دادگاه ملزم به انجام کارهایی در مؤسسات عمومی و نهادهای مختلف دیگری که از سوی دادگاه تعیین می‌شود، هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۳۳).

چون خدمات عمومی به نفع اجتماع است، از این‌رو نمی‌توان محکوم‌علیه را به انجام کار برای شخص حقیقی یا بخش خصوصی محکوم کرد بلکه باید به کارهایی واداشته شود که عموم جامعه از منافع آن بهره‌مند گردند. به‌طور کلی با در نظر گرفتن آنچه بیان شد، اهداف خدمات عمومی و عام‌المنفعه را می‌توان موارد ذیل دانست: الف) کاهش جمعیت کیفری زندان و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، ب) بازپذیری اجتماعی و تقویت حس مسؤولیت در بزه‌کار، ج) مبارزه با افزایش تکرار جرم، د) جبران خسارت بزه‌دیده، ر) ایجاد اعتماد عمومی نسبت به عملکرد نظام عدالت کیفری.

ویژه یافته است. تعریف و ماهیت این نهاد کیفری، در عین شباهت‌های کلی، تفاوت‌هایی را نیز نشان می‌دهد که ناشی از مبانی نظری، اهداف سیاست جنایی و چارچوب تقنینی خاص هر کشور است.

در حقوق ایران، «خدمات عمومی رایگان» به‌موجب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در زمره مجازات‌های جایگزین حبس شناخته شده است. قانون‌گذار در مواد ۶۴ تا ۸۷ این قانون، بدون ارائه تعریفی صریح، ماهیت این مجازات را در قالب انجام کار رایگان برای دستگاه‌های عمومی و نهادهای عام‌المنفعه بیان کرده است. به‌عبارت‌دیگر، خدمات عمومی در حقوق ایران ماهیتی تنبیهی-اصلاحی دارد که با اجبار محکوم‌علیه به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، هدف بازپروری و جبران آسیب اجتماعی ناشی از جرم را دنبال می‌کند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۲۲۱). این مجازات نه‌تنها در جهت کاهش جمعیت زندان‌ها عمل می‌کند، بلکه با فراهم کردن فرصت تعامل مثبت با جامعه، به فرآیند اجتماعی شدن مجدد محکوم کمک می‌نماید.

از حیث ماهیت، خدمات عمومی در ایران هم‌زمان واجد خصیصه‌های «اجباری» و «اجتماعی» است. اجباری بودن آن به این معناست که اجرای آن بدون رضایت محکوم‌علیه ممکن نیست و نیاز به پذیرش وی دارد، اما پس از پذیرش، التزام قانونی بر انجام آن حاکم است (هاشمی، ۱۴۰۰: ۱۱۲). اجتماعی بودن نیز به این دلیل است که بستر اجرای این کیفر در فضای عمومی و به نفع جامعه است، نه در محیط محدود زندان یا تحت شرایط فردی؛ بنابراین، می‌توان گفت ماهیت خدمات عمومی در ایران، ترکیبی از مجازات، تربیت و خدمت اجتماعی است.

در حقوق ترکیه، خدمات عمومی به‌طور مشخص‌تر و با تعریفی روشن‌تر در قانون جزای ۲۰۰۴ و آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط معرفی شده است. مطابق مقررات این کشور، خدمات عمومی عبارت است از الزام محکوم‌علیه به انجام فعالیت‌های مشخص اجتماعی یا عام‌المنفعه به‌جای تحمل حبس کوتاه‌مدت یا پرداخت جریمه نقدی. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل کار در شهرداری‌ها، نهادهای خدماتی، مراکز درمانی، یا اقدامات

کیفرهای غیرسالب آزادی حرکت کرد. نقطه عطف این تحول را می‌توان در قانون جزای ترکیه مصوب ۲۰۰۴ و اصلاحات بعدی آن مشاهده کرد. در این قانون، خدمات عمومی به‌عنوان یکی از تدابیر جایگزین حبس کوتاه‌مدت و جریمه نقدی پذیرفته شد. مطابق مقررات جدید، دادگاه‌ها می‌توانند به‌جای صدور حکم به حبس‌های کوتاه، محکوم‌علیه را موظف به انجام خدمات اجتماعی و فعالیت‌های عام‌المنفعه کنند. این اقدامات غالباً در حوزه‌هایی مانند شهرداری‌ها، خدمات محیط زیستی، یا مراکز خیریه و بهداشتی صورت می‌گیرد.

علاوه بر این، ترکیه تحت تأثیر استانداردهای شورای اروپا و اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر، به‌تدریج دامنه اجرای خدمات عمومی را توسعه داد. از جمله می‌توان به دستورالعمل‌های شورای اروپا درباره کاهش استفاده از مجازات‌های سالب آزادی اشاره کرد که الهام‌بخش اصلاحات تقنینی ترکیه بوده است. این اصلاحات نه‌تنها به کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها کمک کرد، بلکه از منظر اجتماعی نیز با تقویت رویکرد بازپروری و مشارکت محکوم‌علیه در فعالیت‌های عمومی همراه شد.

مقایسه ایران و ترکیه نشان می‌دهد که هر دو کشور تقریباً با انگیزه‌های مشابه به این نهاد روی آورده‌اند: کاهش جمعیت زندان‌ها، جلوگیری از تبعات مخرب حبس و تقویت نقش اصلاحی مجازات‌ها. با این حال، مسیر تقنینی ترکیه تحت تأثیر مستقیم الزامات همسویی با حقوق اروپا بوده، درحالی‌که ایران بیشتر بر مبانی سیاست جنایی اسلامی و مقتضیات اجتماعی داخلی استوار بوده است. این تفاوت در پیشینه تقنینی، در عمل نیز موجب تمایز در گستره و نحوه اجرای خدمات عمومی در دو کشور شده است. ایران هنوز در مرحله تثبیت و اجرای تدریجی این نهاد قرار دارد، درحالی‌که ترکیه با پشتوانه چند دهه تجربه، توانسته آن را به یکی از ابزارهای اصلی سیاست کیفری خود تبدیل کند.

## ۲-۱-۲- تعریف و ماهیت خدمات عمومی و عام‌المنفعه در ایران و ترکیه

خدمات عمومی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال مجازات‌های جایگزین حبس، در هر دو نظام حقوقی ایران و ترکیه جایگاهی

مؤسسات عام‌المنفعه است. در عمل، محکومان می‌توانند در حوزه‌هایی مانند نظافت اماکن عمومی، همکاری در سازمان‌های خیریه، خدمات آموزشی یا فرهنگی مشارکت کنند (دانش، ۱۳۷۳: ۲۵). یکی از ویژگی‌های بارز اجرای این مجازات در ایران، وابستگی آن به رضایت محکوم‌علیه است؛ بدین معنا که دادگاه تنها در صورت پذیرش فرد، وی را به انجام خدمات عمومی ملزم می‌کند. این شرط، نشان از آن دارد که قانون‌گذار ایرانی بیش از آن که به جنبه صرفاً تنبیهی خدمات عمومی نظر داشته باشد، به ابعاد بازپرورانه و اصلاحی آن توجه کرده است (گل‌پرور، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

در ترکیه، دامنه خدمات عمومی گسترده‌تر و الزام‌آورتر از ایران است. قانون جزای ترکیه مصوب ۲۰۰۴، خدمات عمومی را به‌عنوان جایگزین مستقیم حبس کوتاه‌مدت و جریمه نقدی معرفی کرده و دادگاه‌ها می‌توانند بدون نیاز به رضایت محکوم‌علیه، حکم به انجام آن صادر کنند. مصادیق اجرایی این نهاد در ترکیه متنوع‌تر بوده و شامل کار در شهرداری‌ها، پروژه‌های زیست‌محیطی، خدمات بهداشتی و درمانی، همکاری در مدارس یا مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای می‌شود (Kury & Shea, 2012: 77). از این منظر، خدمات عمومی در ترکیه نه تنها ابزار کاهش تراکم زندان‌ها، بلکه بخشی از سیاست اجتماعی دولت برای استفاده از نیروی انسانی در فعالیت‌های عام‌المنفعه تلقی می‌شود.

از نظر حقوق تطبیقی، این تفاوت در دامنه و مصادیق، ریشه در مبانی نظری و الزامات بین‌المللی دارد. ترکیه به دلیل پیوستگی با نظام حقوقی اروپا، ملزم به رعایت اصول مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده و از این رو خدمات عمومی را در راستای جایگزینی حبس و تضمین حقوق محکومان توسعه داده است (Smit, 2012: 204). ایران اما با تکیه بر مبانی اسلامی و اجتماعی داخلی، بیشتر بر کارکرد تربیتی و اصلاحی این نهاد تمرکز کرده است.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در ایران، دامنه خدمات عمومی بیشتر به فعالیت‌های ساده و محدود در چارچوب دستگاه‌های عمومی و نهادهای عام‌المنفعه اختصاص دارد، درحالی‌که ترکیه با رویکردی گسترده‌تر و الزامی‌تر، مصادیق

محیط‌زیستی باشد (Yenisey, 2014: 67). ماهیت این مجازات در ترکیه آشکارا اصلاحی-اجتماعی است و قانون‌گذار آن را ابزاری برای بازپروری فرد و هم‌زمان خدمت به جامعه می‌داند. برخلاف ایران، در نظام ترکیه پذیرش محکوم‌علیه شرط اجرای این مجازات نیست، بلکه دادگاه می‌تواند رأساً به‌جای صدور حکم حبس، خدمات عمومی را جایگزین نماید. این امر نشان می‌دهد که قانون‌گذار ترکیه ماهیت این نهاد را بیش از آن که مبتنی بر رضایت فرد بدانند، بر وظیفه اجتماعی و الزام قانونی استوار کرده است (Demirbaş, 2017: 143).

در جمع‌بندی، می‌توان گفت که در هر دو کشور، خدمات عمومی تعریفی نزدیک به هم دارد: «**الزام محکوم‌علیه به انجام کار یا فعالیت عام‌المنفعه به‌جای حبس**». با این حال، ماهیت آن‌ها متفاوت است؛ در ایران تأکید بیشتری بر رضایت محکوم‌علیه و بُعد اصلاحی وجود دارد، درحالی‌که در ترکیه این نهاد بیشتر به‌عنوان یک تدبیر جایگزین الزامی و بدون وابستگی به رضایت محکوم تلقی می‌شود. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که گرچه فلسفه اصلی خدمات عمومی در دو کشور، کاهش آثار منفی حبس و ارتقای نقش بازپروری مجازات است، اما ساختارهای تقنینی و سیاست جنایی متفاوت، سبب شکل‌گیری ماهیت‌های متمایز شده‌اند.

### ۳-۱-۲- دامنه و مصادیق اجرایی خدمات عمومی و عام‌المنفعه در ایران و ترکیه

دامنه و مصادیق اجرایی خدمات عمومی و عام‌المنفعه در نظام‌های حقوقی ایران و ترکیه، به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاست جنایی جایگزین حبس، نشان می‌دهد که هر دو کشور تلاش کرده‌اند تا ضمن کاهش جمعیت زندان‌ها، بستر مناسبی برای بازاجتماعی‌شدن محکومان فراهم آورند. با این حال، گستره و نحوه اجرای این نهاد در دو نظام حقوقی، تفاوت‌هایی بنیادین دارد.

در ایران، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با معرفی نهاد «**مجازات‌های جایگزین حبس**» در مواد ۶۴ تا ۸۷، خدمات عمومی رایگان را در قالب‌های مختلف پیش‌بینی کرده است. مصادیق اجرایی این خدمات شامل فعالیت‌های اجتماعی در شهرداری‌ها، سازمان‌های خدماتی، نهادهای دولتی، یا

نظارت کنند. طبق قانون اجرای مجازات‌های جایگزین و رویه قضایی، نظارت بر اجرای حکم توسط مقامات محلی و کمیسیون‌های جرائم انجام می‌شود و در صورت عدم انجام تعهد، امکان اعمال مجازات جایگزین مستقیم یا حتی بازگرداندن محکوم به زندان وجود دارد (Çiğdem, et.al, 2024: 45). علاوه بر این، ترکیه با پیوند دادن اجرای خدمات عمومی به استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا، سازوکارهای متنوعی برای ضمانت اجرا ایجاد کرده است، از جمله گزارش‌دهی دوره‌ای، بازدیدهای مستقل و ایجاد انگیزه برای مشارکت داوطلبانه (Çirak, et.al, 2023: 578).

با این حال، در هر دو کشور چالش‌های عملی وجود دارد. در ایران، محدودیت ظرفیت نهادهای پذیرنده و عدم آموزش کافی برای نظارت بر محکومان از موانع اصلی است. در ترکیه نیز، هرچند سازوکار قانونی مدون و نظارت دقیق وجود دارد، اما پراکندگی مصادیق خدمات عمومی و نیاز به هماهنگی میان نهادهای مختلف می‌تواند موجب تأخیر در اجرای احکام و کاهش اثر بازپرورانه شود (Çirak, et.al, 2023: 580). علاوه بر این، انگیزه محکومان و پذیرش اجتماعی فعالیت‌های عام‌المنفعه نیز از عوامل مؤثر بر کارآمدی این مجازات‌ها است (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۸: ۱۶۵).

در جمع‌بندی می‌توان گفت که اگرچه ایران و ترکیه هر دو خدمات عمومی و عام‌المنفعه را به‌عنوان جایگزینی برای حبس کوتاه‌مدت پذیرفته‌اند، تفاوت در ضمانت اجرا و سازمان‌دهی عملی آن‌ها، نشان‌دهنده تأثیر بستر حقوقی و اجتماعی هر کشور بر اثربخشی این مجازات‌هاست. تمرکز ایران بیشتر بر بُعد تربیتی و اصلاحی است، درحالی‌که ترکیه با ایجاد سازوکارهای نظارتی مستحکم و تنوع در مصادیق، به ترکیبی از پیشگیری، کاهش تراکم زندان‌ها و بازپروری اجتماعی توجه دارد (موسوی، ۱۳۹۶: ۶۱).

#### ۵-۱-۲- تحولات نوین و تأثیرات بین‌المللی

در دهه‌های اخیر، خدمات عمومی و عام‌المنفعه در حقوق کیفری ایران و ترکیه تحت تأثیر تحولات نوین و فشارهای بین‌المللی دچار تغییرات قابل‌توجهی شده است. این تغییرات

متنوعی را در عرصه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و آموزشی در برمی‌گیرد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده آن است که اگرچه هر دو کشور در پی کاهش استفاده از مجازات‌های سالب آزادی هستند، اما سیاست جنایی اجرایی آن‌ها در تعیین دامنه و مصادیق خدمات عمومی، متفاوت و متأثر از بستر حقوقی و اجتماعی خاص خود است.

#### ۴-۱-۲- ضمانت اجراها و چالش‌های عملی خدمات عمومی و عام‌المنفعه در ایران و ترکیه

ضمانت اجراها و چالش‌های عملی خدمات عمومی و عام‌المنفعه، یکی از محورهای مهم ارزیابی اثربخشی این نوع مجازات‌های جایگزین حبس در نظام‌های حقوقی ایران و ترکیه است. در هر دو کشور، هدف اصلی این نهاد کاهش جمعیت زندان‌ها و فراهم کردن امکان بازپروری اجتماعی محکومان است، اما نحوه اجرای آن و ضمانت‌های اجرایی موجود تفاوت‌های مهمی دارد.

در ایران، خدمات عمومی و عام‌المنفعه از نظر قانونی به‌صراحت در ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است و ضوابط تفصیلی آن نیز در آیین‌نامه اجرایی مربوط تعیین شده است. با این حال، ضمانت اجرای این مجازات‌ها چندان مکانیزه نیست و عمدتاً متکی بر نظارت قاضی اجرای احکام و همکاری ادارات دولتی و مؤسسات پذیرنده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۳۲). سازوکار نظارت و کنترل شامل بازدیدهای برنامه‌ریزی‌شده و ناگهانی، احضاریه‌های دوره‌ای و بررسی رفتار محکوم در محل خدمت می‌شود. در صورت تخلف، قانون پیش‌بینی نظامی پلکانی برای اعمال مجازات جایگزین کرده است؛ به این صورت که تخلف نخست با افزایش مدت خدمت یا تذکر اصلاحی پاسخ داده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات جایگزین اولیه به مجازات دیگری تبدیل می‌گردد (دانش، ۱۳۷۳: ۱۵). با این حال، مشکلات عملی نظیر محدودیت منابع اداری، همکاری ناکافی نهادهای پذیرنده و عدم انگیزه کافی محکومان، اجرای خدمات عمومی را با چالش مواجه می‌سازد (موسوی، ۱۳۹۶: ۵۸).

در ترکیه، ضمانت اجراها ساختاری منسجم‌تر دارند و دادگاه‌ها می‌توانند به‌صورت فعال و مستقیم اجرای خدمات عمومی را

محلی، گاهی باعث کاهش سرعت و اثرگذاری اجرای این مجازات‌ها می‌شود (Demirbaş, 2017: 108).

به‌طور کلی، می‌توان گفت که تحولات نوین و تأثیرات بین‌المللی سبب شده‌اند که خدمات عمومی و عام‌المنفعه از یک مجازات جانبی محدود، به ابزاری نسبتاً گسترده در سیاست کیفری هر دو کشور تبدیل شود. در ایران، تمرکز بر بعد تربیتی و اصلاحی و در ترکیه، ترکیبی از پیشگیری، بازپروری اجتماعی و کاهش جمعیت زندان‌ها، ویژگی‌های اصلی این تحولات را شکل می‌دهند (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۸: ۱۷۰). این روند نشان‌دهنده تمایل هر دو کشور به هماهنگی با اصول جهانی حقوق بشر و بهره‌گیری از تجربه بین‌المللی در راستای کاهش آثار منفی حبس و ارتقای کارآمدی نظام کیفری است (Smit, 2012: 208).

### نتیجه‌گیری

در فضای حقوق کیفری ایران نیز با توجه به تحولات اخیر ایجاد شده در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری می‌توان دریافت که رویکرد قانون‌گذار ایرانی به سمت کاهش حداقلی مجازات حبس می‌باشد. درحالی‌که زندان باید فقط در سلب آزادی از محکوم خلاصه شود. زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و دوستانش می‌شود. این مجازات علاوه بر محکوم، بر خویشان و نزدیکان و به‌ویژه همسر و فرزندان او نیز تحمیل می‌شود و صد البته سرانجام منجر به فروپاشی کانون خانواده خواهد شد. نقض حقوق بشر در زندان بسیار مشاهده می‌شود. تورم در جمعیت زندانیان یا اشباع زندان‌ها، سوء‌تغذیه، نبود مراقبت‌های پزشکی، شیوع بیماری‌های واگیر و عفونی، تجاوزهای جنسی، فساد رفتاری، شیوع بیماری‌های ویروسی و مرگبار همچون ایدز از جمله آثار این نقض حقوق انسانی است. از منظر کیفرشناختی، ضرورت گرایش به مجازات‌های جایگزین حبس، شکست مجازات حبس در تحقق اهداف حاکم بر مجازات‌ها می‌باشد. مجازات‌های اجتماعی کیفرهایی هستند که محدودکننده حقوق و آزادی‌های فردی بوده و دارای خصایص اصلاحی هستند که در درون اجتماع برای گروهی از مجرمین با نظارت و مراقبت اجتماع و نهادهای مدنی اعمال و اجرا می‌گردند در

عمدتاً از دو مسیر شکل گرفته‌اند: پذیرش استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و تحولات داخلی در راستای کاهش جمعیت زندانیان و افزایش جایگزین‌های حبس.

در ایران، گرایش به مجازات‌های جایگزین حبس از یک سو ناشی از تأکیدات فقهی بر اصلاح و تربیت بزهکار و از سوی دیگر متأثر از تجارب بین‌المللی است (ایمانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۵). اصلاحات قانونی پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با ورود مواد تفصیلی درباره خدمات عمومی و عام‌المنفعه، به دنبال کاهش کاربرد حبس در جرائم خرد و ارتقای اثر بازپرورانه این مجازات‌ها بود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۱۱۲). از جمله تأثیرات بین‌المللی می‌توان به تمایل ایران به هماهنگی با اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک اشاره کرد که بر ضرورت کاهش حبس و ارتقای مجازات‌های جایگزین تأکید دارند (Smit, 2012: 205).

در ترکیه نیز تأثیر استانداردهای بین‌المللی، به‌ویژه در پی تمایل این کشور به عضویت در اتحادیه اروپا، بسیار محسوس بوده است. از دهه ۹۰ میلادی به بعد، قانون‌گذار ترکیه در تدوین اصلاحات قانون جزای ۲۰۰۴ و دیگر مقررات اجرایی، سازوکارهای جایگزین حبس را به‌صورت نظام‌مند در دستور کار قرار داد تا علاوه بر کاهش جمعیت زندانیان، با الزامات حقوق بشری تطابق بیشتری داشته باشد (Yenisey, 2014: 78). از جمله اقدامات عملی، ایجاد ضمانت‌های اجرایی و بازپروری اجتماعی، تأکید بر ندامت و شرایط شخصی محکوم و گسترش مصادیق کار داوطلبانه در مراکز دارای منافع عمومی بود (Demirbaş, 2017: 102).

با این حال، تحولات نوین در هر دو کشور با چالش‌های خاصی همراه بوده است. در ایران، علی‌رغم پیش‌بینی قانونی، محدودیت منابع اداری، کمبود آموزش‌های تخصصی برای مجریان و مقاومت اجتماعی نسبت به استفاده گسترده از خدمات عمومی، مانعی برای تحقق کامل اهداف این مجازات‌ها است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). در ترکیه، گرچه چارچوب قانونی پیشرفته‌تر و تضمین‌های اجرایی قوی‌تر است، اما پراکندگی مصادیق و نیاز به هماهنگی میان نهادهای دولتی و

ارتباط با مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه نسبت به حقوق ترکیه وجود دارد؛ البته در کنار نصوص مزبور، اختیارات قاضی در توسل به نوع مجازات جایگزین نیز قابل توجه می‌باشد. اما در حقوق ترکیه، اختیارات قاضی در انتخاب نوع مجازات جایگزین بسیار بیشتر از اختیارات قاضی در حقوق ایران می‌باشد و در ارتباط با نوع مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه در قامت یک قاعده عمومی، نصی وجود ندارد. به تعبیری، حقوق ترکیه تحت تأثیر نیل به عضویت در اتحادیه اروپا و تمایل به رعایت استانداردهای اتحادیه مزبور در جهت ایجاد امکان برای تبدیل مجازات حرکت نموده است و محور اصلی آن را تشخیص قاضی قرار داده است. از این منظر شفافیت حقوق کیفری ترکیه با چالش مواجه می‌گردد؛ درحالی‌که حقوق ایران استانداردهای بیشتری برای چهارچوب اختیارات مقام قضایی وضع نموده است. در کل به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی و دقت در طراحی مصادیق مجازات خدمات عمومی و عام‌المنفعه، برای قضات در توسل به مجازات مزبور، الزامات عام طراحی و تصویب گردد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** در تدوین این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

**سهام نویسندگان:** نگارش این مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام شده است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که نویسندگان را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی

- ایمانی، میثم؛ فرهود، نغمه و طاهری‌نسب، سید یزدالله (۱۴۰۱). «حبس و حبس‌زدایی در فقه اسلامی و حقوق ایران». دو فصلنامه علمی-تخصصی مبانی فقهی و حقوق اسلامی، (۳۰): ۲۳۹-۲۷۵.

مفهوم موسع سیاست جنایی، تنها دولت به معنی نهادهای رسمی مختلف همانند دادگستری، وزارتخانه‌ها و... عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه نیستند، بلکه پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی جامعه مدنی و نهادهای مختلف مردمی نیز به پاسخ‌های دولتی افزوده می‌شوند. به دیگر سخن دولت و جامعه مدنی در قالب هیأت اجتماع عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه می‌شوند، زیرا مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی به کارایی آن می‌افزاید.

شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی، افزون‌بر رفع دل‌نگرانی مشروع در جهت بالا بردن کارایی آن، به معنای این است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد مربوط می‌شوند. بنابراین امروزه به نقش مردم در فرایند عدالت کیفری بیش‌ازپیش توجه می‌شود و در کنار سازمان‌ها و نهادهای رسمی، مردم نیز در تأمین منافع جامعه نقش به‌سزایی دارند. یکی از خصوصیات مجازات‌های جایگزین حبس جامعوی بودن آن است و محکوم مجازاتش را در اجتماع تحمل می‌کند. همین مسئله، حاکی از قابل‌اعتماد بودن این‌گونه کیفرها است. شواهد نشان می‌دهد که قضات از میان انواع جایگزین‌های زندان، توجه زیادی به اعمال مجازات جزای نقدی دارند. به نظر نیکوست نظریات قضات به طرف کیفرهای جایگزین جدید مانند خدمات عمومی و عام‌المنفعه بیشتر جلب شود. این کار محتاج علمی کردن مجازات‌ها می‌باشد، آن‌طور که باید ساختار و آموزش کیفرهای جایگزین حبس نوین برای قضات واجب شود. در ادامه چنین به نظر می‌رسد اصلاح و سامان دادن به قوانین مربوط به کیفرهای حبس، به‌ویژه کیفرهای جایگزین حبس نوین، با این رویکرد که تا جایی که امکان دارد استفاده از آن‌ها برای قضات سهل و آسان شود واجب است. به‌علاوه به‌روز شدن اطلاعات حوزه آسیب‌های اجتماعی و آموزش‌های جدید جرم‌شناسی (عدالت ترمیمی، حق بر مجازات نشدن، پیشگیری و درمان بزهکاران و...) برای قضات و وکلا و نیز متوجه شدن آن‌ها به نتیجه‌های سوء کیفر زندان است.

مع‌الوصف، در حقوق ایران ذیل قانون مجازات اسلامی و آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹، نصوص قانونی بیشتر و مفصلی در

- موسوی، سیدرضا (۱۳۹۶). مجازات‌های جایگزین زندان در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق ایران. مشهد: مجتمع آموزش عالی مشهد مقدس.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۸). حقوق جزای عمومی با نگاهی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. تهران: سمت.

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۸). تقریرات درس حقوق جزای عمومی ۲. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۰). درباره سیاست جنایی افتراقی. تهران: انتشارات میزان.

- هاشمی، علی (۱۴۰۰). مجازات‌های جایگزین در حقوق کیفری ایران. تهران: انتشارات میزان.

#### الف. منابع انگلیسی

- Çiğdem, A; Kanoğlu, E & Özyörük, D. (2024). Community Corrections in Türkiye. In I. Durnescu, J. M. Byrne, B. J. Mackey, & F. S Taxman (Eds.), *the Routledge Handbook on Global Community Corrections*. Routledge.

- Çirak, E; Kara, S & Şişli, Z (2023). Enforcement of Criminal Sanctions in Case of Occupational Injuries: A Review of Turkish Court Decisions. In Y. Jorens (Ed.). *The Lighthouse Function of Social Law: Proceedings of the ISLSSL XIV European Regional Congress Ghent 2023*. Springer.

- Demirbaş, T. (2017). *Criminology and Penology*. Ankara: Seçkin Publishing.

- Kury, H & Shea, E. (2012). *Punitivity: Insecurity and punitiveness*. Berlin, Brockmeyer Verlag.

- Smit, D. van Zyl. (2012). Community Sanctions and European Human Rights Law', in L. Zedner & J. V. Roberts (Eds.), *Principles and Values in Criminal Law and Criminal Justice: Essays in Honour of Andrew Ashworth*. Oxford, Oxford University Press.

- Yenisey, F. (2014). *The Turkish Penal Code and Alternative Sanctions*. Istanbul: Beta Publishing.

- آنسل، مارک (۱۳۷۵). دفاع اجتماعی. ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرنآبادی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- بولک، برنار (۱۳۵۸). کیفرشناسی. ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی. تهران: مجد.

- پور احمدی، جواد (۱۳۸۵). «تحول کیفری در ایجاد مجازات‌های جایگزین». *کانون وکلای دادگستری خراسان*، (۱۱): ۴۱-۱۲.

- حاجی تبار، حسن (۱۳۸۷). «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۲(۶۴): ۶۸-۸۸.

- حسن‌زاده، علی (۱۳۹۲). مجازات‌های جایگزین حبس در لایحه‌ی جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۰. تهران: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

- خالقی، ابوالفتح و نادری‌سنج، شیوا (۱۳۹۹). «قلمروشناسی مجازات‌های جایگزین حبس». *هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران*، ۱-۱۲.

- دانش، تاج زمان (۱۳۷۳). «الزام اطفال و جوانان بزهکار به اشتغال به کارهای عام المنفعه در حقوق تطبیقی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۱: ۳۸-۱.

- علوی، سیدحسن (۱۳۹۷). «بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در نظام کیفری اسلام و کد جزایی افغانستان». *گفتمان حقوقی (جامعه المصطفی العالمیه)*، ۷(۱۴): ۲۱-۴۴.

- قجاوند، کاظم (۱۳۸۹). «مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس»، *اصلاح و تربیت*، ۱۰۲: ۳۱-۲۲.

- گل‌پرور، حسین (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری و دادرسی اطفال در حقوق ایران و انگلیس. به راهنمایی محمد آشوری، قم: مجتمع آموزش عالی قم.

- محسنی، فرید و رحیمیان، رضا (۱۳۹۸). «اصل تعیین حداقل کیفر حبس (تأملی تطبیقی در فقه اسلامی و حقوق فرانسه)». *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۶(۳): ۱۴۹-۱۸۹.